



حقیقت حزن و اقسام آن

مرحوم محمد کریم خان کرمانی اع در فصلی از کتاب طریق النجات در مورد حزن میفرمایند (خلاصه): حزن از قبض و گرفتگی روح ایجاد میشود بخاطر بیزاری از چیزی که از آن ناخوشایند است. اگر آن چیز مربوط به گذشته باشد آن را غم گفته و اگر ناراحتی و نگرانی مربوط به آینده باشم هم میگویند.

زمانی که انقباض روح شدید شود حرارت قلب زیاد شده و به سر صعود میکند تا جایی که باعث جاری شدن اشک میشود چنانکه خداوند در سوره توبه میفرماید (تری اعینهم تفیض من الدمع حزنا ان لایجدوا ما ینفقون).

در این عالمی که پر از درد و مکروهات (مسائلی که انسان از آن کراهت دارد) است، حزن نشانه حس و عقل و شعور می باشد، اما حزن خوب داریم و حزن بد، حزنی ممدوح و حزنی مذموم.

حزن بد بخاطر از دست دادن چیزی از دنیا حاصل میشود که از از جهالت و شدت حب دنیا است، چرا که عقل به قضاء خداوند راضی است.

اما حزن خوب که اثر روح الایمان است، حزنی است که به جهت توجه به تلف شدن عمر، بیاد مرگ و قبر قیامت بودن و کوتاهی در اطاعت خداوند و رسول اولیائش و حقوق ایشان می باشد. و این حزن از قوت عقل بوده و نتیجه آن رو کردن به خداوند و پشت کردن به غیر خداست. و نشانه آن این است که این حزن مانعی برای تبسم در برابر مؤمنین و اهل و عیال و اطرافیان نمیشود چرا که این حزن تاثیر نور خداوند است و آن نور مستولی بر طبایع می باشد و موجب کسالت در اعمال صالح نشده بلکه باعث اشتیاق و تلاش در طاعت خداوند است.

در مورد پیامبر اعظم ص هم وارد شده که **کان دائم الفکر متواصل الحزن** و خداوند نیز قلب محزون را

دوست داشته و به آن رحم و مرحمت دارد.

امیر المومنین علیه السلام در نشانه های مؤمن فرمودند:

خوراکش مانند خوراک بیماران، و خوابش مانند خواب غرق شدگان، و گریه اش مانند گریه زن فرزند مرده، و نشستن اش مانند نشستن کسی است که از جا می پرد.

و در جای دیگر میفرمایند: المؤمن یكون صادقاً في الدنيا راعي القلب حافظ الحدود ، كثير التبسم دائم الحزن كثير التفكير قليل النوم والضحك

در کافی نیز از امیر المومنین علیه السلام در صفات مومن نقل شده که: المؤمن بشره في وجهه و حزنه في قلبه

و از این قبیل احادیث بسیار است، و تعجبی از این اندوه نیست بلکه تعجب از کسی است که قلبش محزون نباشد چرا که روزی نمیگذرد که مرگ نزدیک تر شده و به قبر و قیامت وارد میشویم و در پیشگاه خداوند خواهیم ایستاد.

و نه فقط ذکر آخرت موجب حزن است بلکه دنیا نیز برای مؤمن سراسر بلا و مصیبت است چنانکه امام سجاد ع میفرمایند:

مردم در روزگار ما به شش گروه تقسیم می شوند : شیر و گرگ و روباه و سگ و خوک و گوسفند.

شیران همان شهریاران و زمام داران دنیایند که هر يك از آنها دوست دارد بر دیگری غلبه کند و مغلوب کسی واقع نشود.

گرگ ها همان بازرگانان شما هستند که هرگاه می خواهند کالایی را بخرند از آن بدگویی می کنند و هرگاه می خواهند بفروشند از آن تعریف می کنند.

روبهان همان کسانی هستند که از طریق دین خود می خورند و به آنچه می گویند در دل اعتقادی ندارند.

سگ ها آن کسانی هستند که با زبان خود بر مردم پارس می کنند و مردم از شرّ زبانشان به آنان احترام می گذارند.

خوکان همان مردهای مخنث و امثال آنها هستند که وقتی از آنان دعوت به فحشایی شود اجابت می کنند،

و گوسفندان همان مؤمنان هستند که پشمهایشان را می چینند و گوشتشان را می خورند و استخوانشان را می شکنند. از يك گوسفند در میان [گروهی] شیر و گرگ و روباه و سگ و خوک چه کاری ساخته است؟!

اما همانطور كه گفته شدن اين حزن اكر منشأ رحمانى داشته باشد نبايد سبب كسالت در اعمال و كج خلقى بر اطرافيان شود چنانكه مرحوم كرمانى اع در آخر اين فصل ميفرمايند:

فيا حبيبي ان كنت محزونا علي ما فرطت و متألما مما قصرت لاتجعل حزنك سبب تأخرك عن السفر
و علة اخري لتقصيرك في السلوك بل بادر مسارعا الي السلوك لعلك تجبر كسر ما فرطت في هذه
المدة الباقية من عمرك فان السفر طويل و الزاد قليل و الامر جليل و العايق كثير و العمر قصير و اياك
ثم اياك من الحزن الطبيعي فانه يقعد السالك و يثبطه و يكون وبالا عليه و سبب ندامة يوم القيمة وفقنا
الله و ساير المؤمنين للطاعات و جنبنا عن السيئات بحق محمد و آله سادة البريات عليهم افضل
الصلوة.